

خطر موشک حوثی‌ها،  
«دلیل لغو» پرواز تنابهاو  
به امارات



## عبدالله در نشست

کمیته‌ی رهبری شورای مصالحه‌ی ملی:

### درباره‌ی طرح پیشنهادی امریکا

موضع واحد داشته باشیم

اطلاعات روز: عبدالله، رئیس شورای عالی مصالحه‌ی ملی می‌گوید که جانب جمهوری اسلامی افغانستان باید درباره‌ی طرح پیشنهادی...

صفحه ۲

## کمیسیون حقوق بشر:

### جامعه‌ی جهانی کاهش

خشونت‌ها را معیار ادعای صلح طلبی

طرف‌های جنگ اعلام کند

صفحه ۲

## چگونه با داعش

### در افغانستان مقابله کنیم؟

خروج مبتنی بر شرایط از افغانستان،

ممکن است تنها گزینه‌ی امریکا برای مهار

(ولایت خراسان دولت اسلامی) باشد



صفحه ۷

## یادداشت روز

### اقدام ناسنجیده با پیامدهای ناگوار

نشر فهرست اقوام در اداره احصائیه فاقد جنبه علمی و عملی است. زیرا نام‌هایی که به‌عنوان اقوام دیگر در فهرست جدید این اداره آمده در واقع، زیرشاخه‌های اقوام است نه یک قومیت مستقل. اداره ملی احصائیه نام ۵۴ قوم تازه را در تذکره الکترونیک ثبت کرده است. به‌نظر بسیاری از تاریخ‌شناسان تعیین هویت‌های تازه روی تحقیقات علمی و تاریخی استوار نیست. برای این کار هیچ تحقیقی میدانی نیز نشده است. به همین دلیل، این تصمیم اداره ملی احصائیه در دو روز گذشته به‌شدت واکنش‌برانگیز شده و بسیاری این اقدام را گامی در راستای تفرقه قومی و امری در جهت گسست بیشتر اجتماعی در افغانستان خوانده است. برخلاف معمول این اقدام به منتقدین بیرون از حکومت محدود نمانده است. از نظر حکومتی‌ها نیز این اقدام پرسش‌برانگیز است. معاون دوم رئیس‌جمهور این تصمیم را فاقد جنبه علمی، عجولانه و خلاف روحیه ملی خوانده است. اقدام ناسنجیده‌ی اداره ملی احصائیه، پیامدهای ناگوار اجتماعی و سیاسی دارد. پیامد اجتماعی این تصمیم گسست بیشتر اجتماعی و شکاف قومی است...

۲

## واکنش‌ها به نشر فهرست جدید اقوام در شناس‌نامه؛ «تصمیم اداره‌ی احصائیه نفاق‌افکنانه است و باید اشتباه خود را اصلاح کند»



صفحه ۲

## تحلیل ۴

### جدال هویت و سیاست (۲)

اشاره‌ای به وضع اکنون و آینده‌ی سیاسی و فرهنگی هزاره‌ها در پاکستان

موجب تولید ادبیات فاجعه گردد. زبان فارسی هر روز گم و گم‌تر می‌شود. در شهر کویت، مرکز ایالت بلوچستان، در محلات هزاره‌نشین، بیست سال پیش فضا به مراتب فارسی‌تر از اکنون بود. در بازار و دکان‌ها کلی تابلو به زبان فارسی دیده می‌شد. این بار من در بازار مرکزی شهرک هزاره (هزاره تاون) به ندرت یک تابلوی فارسی...

## تحلیل ۳



### روایت زنانه؛ اگر طالب هم نیاید، نبود تشناب‌های عمومی زنان را خانه‌نشین می‌کند

در بیست سال گذشته، جامعه جهانی میلیارد‌ها دلار به افغانستان کمک کرد که یک بخش بزرگ آن به زنان اختصاص داده شده بود. حالا اما بعد از...

۳

### روند صلح افغانستان؛ مسکو از حاشیه به متن می‌آید؟

روسیه از حکومت افغانستان، رهبران سیاسی و رهبران گروه طالبان دعوت کرده تا در نشست پیرامون صلح افغانستان در مسکو شرکت کنند. با آن‌که گروه طالبان هنوز از شرکت یا عدم شرکت‌شان در این نشست خیر نداده، اما حکومت افغانستان برای حضور در این نشست اعلام آمادگی کرده است. حمدالله محب، مشاور شورای امنیت ملی در کنفرانس خبری روز شنبه (۲۲ حوت) گفته است که وزارت امور خارجه و شورای عالی مصالحه ملی افغانستان روی این موضوع کار می‌کنند تا سطح اشتراک‌کنندگان دیگر کشورها و گروه طالبان در این نشست مشخص شود. محب گفته است که با در نظر داشت سطح اشتراک‌کنندگان گروه طالبان در نشست مسکو هیأت تعیین خواهند کرد. در همین حال وزارت خارجه روسیه در...



## بسته های ویژه اینترنتی برای

### بلاک های رهائشی و خانه های انفرادی



Info@afghanet.com
+93 (0) 797 777 275

ادامه‌یادداشت‌روز

از نظر سیاسی این اقدام دیوار بی‌اعتمادی میان حکومت و شهروندان را بلندتر می‌کند. روشن است که مبنای این تصمیم از سیاست غلط اقلیت و اکثریت‌سازی دروغین اقوام در افغانستان ریشه می‌گیرد. حاصل این اقدام ناسنجیده بعید نیست به بن‌بست رفتن یک بار دیگر طرح توزیع شناسنامه الکترونیک باشد. توزیع شناسنامه‌های الکترونیکی از سال‌ها بدین‌سو، مایه‌ی جنجال بوده است. بنابراین، رهبری حکومت افغانستان نه‌تنها این تصمیم را ملغی اعلام کند که تصمیم‌گیرندگان این طرح را مورد پیگرد عدلی قرار دهد. معنای این کار جعل هویت است. اگر رهبری حکومت از کنار این تصمیم اداره ملی احصائیه بدون توجه به طیف وسیع واکنش‌های اعتراضی چشم‌بندد، معنایش این است که دسیسه از نهاد بالاتری در راستای سیاست حذف و انکار سازماندهی شده است.

افغانستان کشوری بی‌ثبات است و بی‌ثباتی در هر جامعه‌ای یک معضل کلان است؛ زیرا در وضعیت بی‌ثباتی، تمامی ارزش‌ها، روند پیشرفت و توسعه با مخاطره مواجه می‌شوند و خیلی از هنجارهای اجتماعی گرفتار سقوط و دگرگونی می‌شود. هر قدر که جامعه به سمت شکاف‌های قومی پیش برود، به همان میزان عقده‌ها تشدید می‌شوند و خصومت‌ها افزایش می‌یابد. پس نباید به عناصر هژمونی‌خواه فرصت دسیسه‌سازی داده شود. سیاست انکار، تخریب و جعل هویت دیگران مضاف بر این‌که به معنای واقعی کلمه اهانت، تحقیر و نقض حقوق شهروندی است، نشانی از بدویت، عقب‌گرایی، تحجر و خامی نیز است. پیامد این کار ضایع شدن فرصت ملت‌شدن، اتحاد و هم‌گرایی است.

شاید موافقان این طرح استدلال کنند چه مشکلی وجود دارد که فهرست قومیت‌ها در افغانستان بلند و بالا باشد. اما با صرف نظر از جوانب حقوقی-اخلاقی آن، این تصمیم در افغانستان بر یک عقبه‌ی نامیمون استوار است و آن این است که ساختار قدرت سیاسی، توزیع منابع و فرصت‌ها براساس قومیت است. اصلاً جریان سازندگی در افغانستان بر مدار قومیت استوار است. تلاش برای سیاست اقلیت و اکثریت‌سازی هم به همین خاطر است.

لازم است که به‌دور از هیاهو مسأله درج قومیت در شناسنامه الکترونیک مبتنی بر مطالعه تاریخی قومیت‌ها صورت گیرد. اگر قومی خواهان درج هویت‌شان است، این کار مانعی ندارد. به رسمیت شناخته‌شدن هویت یک حق شهروندی است. هر شهروند این کشور مثل بقیه شهروندان کشورهای دیگر حق دارند با هویت خود زندگی کنند. این را قانون اساسی نیز به رسمیت شناخته است، اما این اقدام خودسرانه و سیاست اقلیت و اکثریت‌سازی مذموم است. در جنجال پیش‌آمده، اداره ملی احصائیه می‌گوید این کار را به درخواست بزرگان اقدام انجام داده است. این ادعا نیاز به بررسی دارد. از واکنش‌های گسترده‌ی دو روز گذشته به‌دست می‌آید که این توجیه دروغ بزرگی است که دیر نخواهد بود در گلوی دسیسه‌سازان گیر خواهد کرد.

نبايد به عناصر هژمونی‌خواه فرصت دسیسه‌سازی داده شود. سیاست انکار، تخریب و جعل هویت دیگران مضاف بر این‌که به معنای واقعی کلمه اهانت، تحقیر و نقض حقوق شهروندی است، نشانی از بدویت، عقب‌گرایی، تحجر و خامی نیز است. پیامد این کار ضایع شدن فرصت ملت‌شدن، اتحاد و هم‌گرایی است.

اطلاعات روز: شماری از مقام‌های دولتی و چهره‌های سیاسی به تصمیم تازه‌ی اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات مبنی بر درج ۵۴ قوم جدید در شناسنامه‌ی الکترونیک واکنش نشان داده و می‌گویند که این تصمیم نفاق‌افکنانه و جزئی از برنامه‌ی «هم‌پاشی» مردم افغانستان است.

عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی دیروز (یکشنبه، ۲۴ حوت) با نشر اعلامیه‌ای گفته است: «اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات باید با در نظر داشت مصلحت کلان کشور و اتحاد مردم افغانستان این اشتباه را اصلاح کند و در عمل کرده‌ی خود از اقداماتی که به وحدت ملی و مصالح کلان کشور صدمه وارد می‌کند، خودداری کند.»

به گفته‌ی او، افغانستان هم‌اکنون نیازمند اتحاد، اجماع و توافق نظر روی قضایای کلان کشور است و از دامن‌زدن به قضایای «حاشیه‌ای» که باعث خدشه‌دار شدن وحدت و اتحاد مردم می‌شود، باید جلوگیری شود. رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی همچنان نشر فهرست اقوام جدید در سیستم شناسنامه‌ی الکترونیک را غیرعلمی خوانده و تأکید کرده است: «تصمیم درباره‌ی قضایای کلان و حساس ملی نیازمند بحث و مشوره در سطح ملی و بزرگ‌تر است.»

میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان نیز در اعلامیه‌ای گفته است تصمیم درج اقوام جدید در سیستم شناسنامه‌ی الکترونیک «که از قبل تعیین شده به‌نظر می‌آید، به‌عوض بسیج و همبستگی مردم و وحدت جامعه‌ی افغانستانی به تقسیم اقوام کشور به سطح قریه و ولسوالی پرداخته است.»

او همچنان این تصمیم اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات کشور را «تأسف‌بار» خوانده و تأکید کرده است که این تصمیم از سوی حلقاتی خاصی گرفته شده است. به گفته‌ی او، این حلقات که هویت‌شان بیش از پیش افشا شده، در پی تضعیف نظام و دامن‌زدن به اختلافات قومی در افغانستان است.

در همین حال، او از حکومت خواسته است که با سرنوشته مردم، قانون و کشور بازی نکرده و تصمیم درج ۵۴ قوم جدید در سیستم شناسنامه‌ی الکترونیک را بازنگری کند.

محمدکریم خلیلی، رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان در واکنش به تصمیم تازه‌ی اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات مبنی بر درج ۵۴ قوم جدید در شناسنامه‌ی



الکترونیک، گفته است که افغانستان کشور اقلیت‌ها است و نباید کسی در پی اکثریت و اقلیت‌سازی معادله‌ی جمعیتی اقوام کشور باشد.

آقای خلیلی در اعلامیه‌ای گفته است که در عقب تصمیم اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات در مورد اکثریت و اقلیت‌سازی «معادله‌ی جمعیتی» اقوام کشور انگیزه‌های سیاسی وجود دارد.

او گفته: «واضح است که افغانستان کشور اقلیت‌ها است و هیچ قومی از نگاه نفوس، میزان اکثریت را ندارد. بنابراین، اقدام اداره‌ی احصائیه به معنای آوردن تغییر در واقعیت‌های کشور بر اساس مفروضات ذهنی گرداندگان آن اداره است.»

رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان این اقدام اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات را «غیرقانونی» خوانده و گفته است که این اقدام دامن زدن به بحران سیاسی و اجتماعی‌ای است که نه‌تنها هیچ نفعی در آن نهفته نیست، بلکه کشور با این عمل کرد به‌سوی «تفاق»، «اشفتگی» و «رویارویی همیشگی» سوق داده می‌شود.

او تأکید کرده است که نتیجه‌ی این اقدامات حکومت برای تمامیت اجتماعی و وحدت ملی افغانستان خطرناک است.

در همین حال، محمدکریم خلیلی خواهان جلوگیری از تطبیق این تصمیم اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات شده و تأکید کرده است: «کسانی که به چنین نفاق‌های عمیق و چندپهلوی، دامن می‌زنند باید در برابر قانون و مراجع عدلی و قضایی پاسخ دهند.»

او افزوده است که عاملان تصمیم اخیر اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات در مورد درج ۵۴ قوم جدید در سیستم شناسنامه‌ی الکترونیک باید مورد بازپرس قرار داده شود.

## واکنش‌ها به نشر فهرست جدید اقوام در شناسنامه؛ «تصمیم اداره‌ی احصائیه نفاق‌افکنانه است و باید اشتباه خود را اصلاح کند»

ریاست‌جمهوری ساعاتی پس از اعلام اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات مبنی بر درج ۵۴ قوم جدید در سیستم شناسنامه‌ی الکترونیک، در اعلامیه‌ای گفته بود که تصمیم عجولانه حکومت را مورد پرسش قرار می‌دهد و سبب نفاق در میان مردم می‌شود.

آقای دانش افزوده بود آن چه که از سوی اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات به‌عنوان فهرست اقوام برای درج در شناسنامه‌ی الکترونیک نشر شده، فاقد جنبه‌ی مسلکی و علمی است.

او از اداره‌ی ملی و احصائیه خواسته بود که تصمیم خود در مورد درج ۵۴ قوم جدید در شناسنامه‌ی الکترونیک را مورد بازنگری قرار دهد.

اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات دو روز پیش در اعلامیه‌ای گفته بود که این تصمیم را براساس درخواست بزرگان برخی از اقوام و بادر نظر داشت تفسیر بند سوم ماده‌ی چهارم قانون اساسی گرفته است. در اعلامیه گفته شده است که آنان از طریق مراجع مختلف رسمی، خواهان درج اقوام‌شان که در قانون اساسی به‌گونه‌ی صریح تذکر به عمل نیامده، در شناسنامه‌ی الکترونیک شده بودند.

در ماده‌ی چهارم قانون اساسی کشور از ۱۴ قوم به‌گونه‌ی صریح نام برده شده است. در این ماده‌ی قانون تأکید شده است: «ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجیک، هزاره، اوزبیک، ترکمن، بلوچ، پشه‌های، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می‌باشد.» اما اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات گفته است که با توجه به قرار قضایی شورای عالی دادگاه عالی در مورد این ماده‌ی قانون اساسی، نام‌های ۵۴ قوم جدید را در شناسنامه‌ی الکترونیک درج کرده است.

تصمیم اداره‌ی ملی احصائیه و معلومات در مورد درج اقوام جدید در چند روز گذشته واکنش‌های گسترده‌ای را به همراه داشته است. منتقدان این تصمیم گفته‌اند که این اداره در تلاش است که قبیله‌ای در درون یک قوم را به عنوان قوم مستقل درج شناسنامه کند.

روند توزیع شناسنامه‌ی الکترونیک در ۱۳ ثور سال ۱۳۹۷ خورشیدی آغاز شد. این روند از همان زمان به‌دلیل ملیت مردم افغانستان جنجالی بود. این روند به‌رغم تفاوت دیدگاه‌ها در این مورد، هم‌اکنون با درج «افغان» به‌عنوان ملیت تمامی شهروندان و در کنار آن درج اسم قوم روی شناسنامه‌ها ادامه دارد.

### کمیسیون حقوق بشر:

## جامعه‌ی جهانی کاهش خشونت‌ها را معیار ادعای صلح‌طلبی طرف‌های جنگ اعلام کند

مدت، دست‌کم ۱۳ غیرنظامی به‌شمول سه کودک کشته شده‌اند. همچنان کمیسیون حقوق بشر افزوده است که در این رویدادها، ۹۳ غیرنظامی دیگر به‌شمول ۲۱ کودک زخمی شده‌اند.

براساس معلومات این نهاد، این تعداد غیرنظامیان در ولایت‌های کابل، هرات، غور، کنر، قندوز و پکتیا کشته و زخمی شده‌اند.

کمیسیون مستقل حقوق بشر درحالی خواهان اعلام کاهش خشونت‌ها به‌عنوان راستی‌آزمایی ادعای صلح‌طلبی طرف‌های جنگ در افغانستان توسط جامعه‌ی جهانی شده است که اخیراً درگیری‌ها در کشور شدت یافته و ترورهای هدفمند نیز افزایش یافته است.

### عبدالله در نشست کمیته‌ی رهبری شورای مصالحه‌ی ملی:

## درباره‌ی طرح پیشنهادی امریکا موضع واحد داشته باشیم

همچنان اعضای اشتراک‌کننده در این نشست کمیته‌ی رهبری شورای عالی مصالحه‌ی ملی در مورد نشست‌های جهانی و منطقه‌ای پیرامون روند صلح افغانستان نیز گفت‌وگو و بحث کرده‌اند. آنان تأکید کرده‌اند که تلاش و حمایت صادقانه منطقه و جهان می‌تواند تضمین‌کننده‌ی موفقیت این روند باشد.

این شورا تأکید کرده است که اعضای رهبری آن در این نشست بر تسریع روند صلح، تقویت اجماع، منطقه‌ای و جهانی برای صلح، برقراری آتش‌بس دائمی و سراسری، پایان خشونت‌ها و تأمین صلح

موضع و خواست مردم و جمهوری اسلامی افغانستان باید واضح باشد.

شورای عالی مصالحه‌ی ملی همچنان گفته است که در این نشست کمیته‌ی رهبران این شورا، طرح ارائه‌شده از سوی امریکا مورد بحث قرار گرفته و اشتراک‌کنندگان با تأکید بر اهمیت و ضرورت صلح در کشور گفته‌اند که از هر اقدام برای تأمین صلح در افغانستان حمایت می‌کنند.

انان تأکید کرده‌اند که جمهوری اسلامی افغانستان برای موفقیت صلح پایدار و باعزت ارائه‌ی محکم و استوار دارد.

اطلاعات روز: عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی می‌گوید که جانب جمهوری اسلامی افغانستان باید درباره‌ی طرح پیشنهادی «دولت انتقالی صلح» توسط امریکا، موضع روشن و واحد داشته باشد.

شورای عالی مصالحه‌ی ملی با نشر خبرنامه‌ای گفته است که آقای عبدالله این موضوع را دیروز (یکشنبه، ۲۴ حوت) در چهارمین نشست کمیته‌ی رهبری این شورا در کابل مطرح کرده است.

به نقل از خبرنامه، او گفته است که جانب دولت از طرح مباحث هراس ندارد، اما

## عباس عارفی

روسیه از حکومت افغانستان، رهبران سیاسی و رهبران گروه طالبان دعوت کرده تا در نشست پیرامون صلح افغانستان در مسکو شرکت کنند. با آن که گروه طالبان هنوز از شرکت یا عدم شرکتشان در این نشست خبر نداده، اما حکومت افغانستان برای حضور در این نشست اعلام آمادگی کرده است. حمدالله محب، مشاور شورای امنیت ملی در کنفرانس خبری روز شنبه (۲۲ حوت) گفته است که وزارت امور خارجه و شورای عالی مصالحه ملی افغانستان روی این موضوع کار می‌کنند تا سطح اشتراک‌کنندگان دیگر کشورها و گروه طالبان در این نشست مشخص شود. محب گفته است که با در نظر داشت سطح اشتراک‌کنندگان گروه طالبان در نشست مسکو هیأت تعیین خواهند کرد. در همین حال وزارت خارجه روسیه در صفحه‌ی تویتش از برگزاری نشست به تاریخ ۱۸ مارچ خبر داده است که در آن نمایندگان کشورهای ایالات متحده آمریکا، چین و پاکستان شرکت می‌کنند. این نشست پنجمین نشست گروه میکائیزم ترویکای توسعه‌یافته خواهد بود. سال گذشته نیز روسیه میزبان رهبران سیاسی افغانستان و رهبران گروه طالبان در غیاب حکومت افغانستان بود. با توجه به نقش فعال روسیه در تحولات سیاسی منطقه و به خصوص در امور جنگ و صلح افغانستان، نقش این قدرت منطقه‌ای در پروسه دوحه کم‌رنگ بود و در روز افتتاحیه نشست مذاکرات صلح بین‌افغانی نماینده این کشور حضور نداشت. حالا که دولت جدید آمریکا تصمیم گرفته است که به کشورهای همسایه افغانستان، به خصوص ایران و روسیه نیز فرصت دهد که در روند صلح افغانستان سهم بگیرند، آیا کشورهای منطقه از جمله روسیه از حاشیه به متن پروسه صلح افغانستان می‌آید؟ نشست پیش رو از چه اهمیتی برخوردار است؟

## گره کار به دست روسیه و ایران

تابش فروغ، نویسنده و تحلیلگر مسایل سیاسی در گفت‌وگو با اطلاعات روز، می‌گوید روسیه به محدودیت اثرگذاری خودش در مناسبات جنگ و صلح افغانستان واقف است، اما منافع

## روند صلح افغانستان؛ مسکو از حاشیه به متن می‌آید؟



ژئوپلیتیک روسیه به‌عنوان یک بازیگر قدرتمند منطقه‌ای ایجاب می‌کند که در قضایای سیاسی منطقه‌ی پیرامونی خودش دخیل باشد: «نشست مسکو بر فرض اگر اهمیت کاربردی نداشته باشد، اهمیت سمبولیک دارد. مسکو در تلاش است تا به اداره بایند بفهماند که کاخ سفید نمی‌تواند بدون شراکت و رایزنی با مسکو در مورد قضیه افغانستان تصمیم نهایی را بگیرد. امریکایی‌ها نیز اهمیت حضور روسیه را در منطقه می‌دانند. از این رو حاضر نیستند با گفت‌وگوهای صلح در مسکو مخالفت کنند.» آقای تابش با اشاره به نظم ژئوپلیتیک جهانی، معتقد است که سیاست‌گذاران امنیت ملی آمریکا همکاری روسیه در قضیه افغانستان و در دیپلماسی با ایران را مهم می‌دانند: «این دو مورد هرچند از منظر ژئوپلیتیک اهمیت برابر

ندارند، اما موفقیت و یا ناکامی این دو به‌نحوی باهم گره خورده است. دیپلماسی موفقانه آمریکا و روسیه بر سر قضیه صلح افغانستان می‌تواند گره کار را باز کند و بن‌بست ایران و آمریکا را نیز بشکند.»

علی عادل، نویسنده و پژوهشگر در شبکه تحلیلگران افغانستان در گفت‌وگو با اطلاعات روز، می‌گوید که روسیه با آمریکا در موارد زیادی با هم موضع مشترک دارند. از جمله اینکه حکومت فعلی افغانستان باید جای خود را به یک اداره انتقالی یا موقت بدهد: «تا جایی که من می‌دانم روسیه هم یک طرح غیررسمی شبیه طرح جدید آمریکا دارد که ممکن است در کنفرانس پیشرو با شرکت‌کنندگان و جوانب مختلف در میان بگذارد. اما این پلتفرم مسکو نمی‌تواند جای روند دوحه یا روند جدیدی که

ممکن است براساس طرح جدید در ترکیه یا کشور دیگری شروع شود، را بگیرد.»

عمر صمد، پژوهشگر ارشد در شورای اتلانتیک و سفیر پیشین افغانستان در بلجیم در گفت‌وگو با اطلاعات روز، بر این باور است که در ارتباط با افغانستان، روسیه در سه سطح بازیگر عمده پنداشته می‌شود: «سطح منطقه‌ای، در رقابت‌های قدرت‌های بزرگ و در چوکات سازمان ملل متحد و عضویت دائمی شورای امنیت.» از نظر آقای صمد، علاوه بر تاریخچه پرچنگال شوروی سابق در افغانستان، روسیه منافع امنیتی، اقتصادی و تاریخی‌اش را نیز در نظر دارد: «نقش روسیه در این ده سال گذشته به مرور زمان افزایش پیدا کرده و فعلا در هماهنگی با اداره جدید آمریکا، چین و پاکستان و همچنان داشتن

تماس با رهبری طالبان و جناح‌های سیاسی کابل می‌تواند ممد پروسه‌ی صلح باشد.»

## رابطه‌ی منافع محور روسیه و طالبان

در سال‌های پسین روسیه همواره متهم بوده که از گروه طالبان در جنگ افغانستان حمایت مالی کرده است. هم‌زمان با این اتهام‌ها، طالبان هر زمان که در جریان پروسه‌ی صلح با امریکایی‌ها به مشکل برخورد، به دنبال آن به مسکو سفرهای داشته‌اند. با این حال، عمر صمد می‌گوید که تماس و حمایت روسیه از طالبان نمی‌تواند از یک حدی بیشتر انکشاف کند، چون موانع سیاسی و فکری وجود دارد: «با این حال روس‌ها به این حقیقت پی برده‌اند که منافع شان ایجاب می‌نماید تا با همه طرف‌های افغانی صاحب نفوذ در امتداد سرحدات شمالی افغانستان رابطه داشته باشد تا از نفوذ تروریست، افراط‌گرایی و مواد مخدر جلوگیری صورت گیرد. با ظهور خطر داعش، طالبان هم از این فرصت به نفع خود استفاده می‌کنند.»

پروسه‌ی صلح افغانستان از جهات مختلف برای روسیه مهم و بااهمیت است، چرا که این کشور همواره از بابت کشورهای آسیای میانه که با افغانستان هم‌مرزند، نگران است. بازگشت گروه طالبان به‌عنوان یک گروه نوین‌ادگرایی اسلامی به قدرت به معنای رشد بنیادگرایی اسلامی در مناطق مرزی کشورهای آسیای میانه نیز است.

با آن که روسیه در موری از گروه طالبان در افغانستان حمایت کرده، اما بازگشت این گروه به‌عنوان یک قدرت رسمی برای روسیه قابل قبول نیست، مسأله‌ای که طالبان نیز آن را می‌دانند.

آقای تابش در این زمینه معتقد است که طالبان با ایجاد مناسبات حسنه با مسکو در تلاش هستند تا کرملین را متقاعد کنند که طالبان خطری به مرزهای فرضی نظم امنیتی روسیه در کشورهای آسیای میانه نیستند: «روسیه حالا به‌نحوی تبدیل به متحد آمریکا شده است. در این میان منافع اصلی را متاسفانه گروه تروریستی طالبان می‌برند. رای روسیه به‌عنوان عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل برای خروج نام رهبران طالبان از فهرست سیاه تروریسم مهم است.»

## تحلیل

## روایت زنانه؛

## اگر طالب هم نیاید، نبود تشناب‌های عمومی زنان را خانه‌نشین می‌کند

سالانه نیز از روز زن و مادر تجلیل می‌کنند. این ادارات حتا قادر نشده اند به مشکلات زنان در هنگام پرید و یا دسترسی‌شان به تشناب کاری کنند.

در تمامی دنیا شهروندان مالیه می‌دهند و در بدل آن دولت حداقل به آنان خدمات اولیه زندگی را فراهم می‌کند. زنان افغانستان نیز به دولت مالیه می‌دهند و حق دارند خدمات دریافت کنند. این که زنی هنوز به‌خاطر نبود تشناب از درس خود عقب بماند، کارش را از دست بدهد و به امراض جدی دچار شود، قابل پذیرش نیست.

در افغانستان، تبعیض در مقابل زنان به حدی سیستماتیک و نهادینه شده است که حتا خود زنان بخشی از آن را به‌عنوان یک وضعیت طبیعی قبول کرده‌اند. برای مثال، اکثریت زنان هنوز از حمل داشتن خجالت می‌کشند، حرف‌زدن در مورد پرید برای‌شان تابو است و بکارت ساحت غیرقابل گفت‌وگوست. مهم‌ترین مسئولیت نهادهای حامی زنان و بخش‌های جندر در ادارات، اشته‌دادن زن با بدن و بیولوژی‌اش است. حتا مادران باسواد و شاغل نیز در مورد طرز رسیدگی به پرید به دختران جوان‌شان چیزی نمی‌گویند و در مکاتب نیز در این مورد حرف زده نمی‌شود. تنوع بکارت و عدم فهم مردم در برابر آن، سبب می‌شود سالانه ده‌ها دختر به کام مرگ بروند و صدها دختر دیگر هرگز به زندگی عادی برنگردند.

حکومت مسئولیت دارد به مردم خدمات ارائه کند. رسانه‌ها مسئولیت دارند در این مورد روشنگری کنند و هر شخص باسواد جامعه مسئول است تا جایی که می‌تواند در این مورد کار کند. این بسیار تأسفاتبار و ناراحت‌کننده است که زنان افغانستان هم‌زمان با این که با تفکر زن‌ستیز در داخل نظام (که نمونه‌اش منع ترانه‌خوانی دختران است) مبارزه می‌کنند، یک طرف برای حفظ دست‌آورد‌های نظام در گفت‌وگوهای صلح بایستند و همچنان برای نبود تشناب و سهولت در هنگام پرید، اعتراض کنند.

زنان در دوران قاعدگی مجبورند از این چند گزینه یکی را انتخاب کنند: اول، نوار بهداشتی را در جریان روز تبدیل نکنند. دوم، نواز بهداشتی ملوث خود را داخل یک خریطه در دستکول خود بگذارند و به خانه ببرند. سوم، در جریان قاعدگی به کار و درس نروند.

یک خریطه در دستکول خود بگذارند و به خانه ببرند. سوم، در جریان قاعدگی به کار و درس نروند. نظر به توصیه پزشکان، نواربهداشتی‌پد باید هر چهار ساعت بعد تبدیل شود. در غیر آن بو و آلودگی آن سبب حس و بوی بد و مشکلات در اندام جنسی زنان می‌شود. سالانه در روز جهانی بهداشت قاعدگی من تلاش می‌کنم مطلبی در فیسبوکم در این مورد بنویسم تا زنان دیگر نیز جسارت کنند و در این مورد حرف بزنند اما این موضوع هنوز برای اکثریت مطلق زنان حتا زنان باسواد، تابو است و این را از میزان پرداختن زنان به این مسأله به درستی می‌شود فهمید. من دوره لیسانس را در دانشگاه بدخشان تمام کردم. مدت چهار سالی که من در آن دانشگاه بودم به تشناب دسترسی نداشتیم. دروازه تشناب‌ها قفل بود. ما در نهایت ناگزیر به خانه‌های اطراف دانشگاه می‌رفتیم. اما همسایه‌ها نمی‌توانستند به چند هزار دختر این امکان را فراهم کنند. دانشجویان زیادی مجبور می‌شدند در دوران قاعدگی به دانشگاه نیایند و یا زمانی که نیاز به تشناب پیدا کنند درس را ترک کنند و به خانه‌های‌شان بروند. آن‌ها مجبور می‌شدند گاهی یک ساعت و بیشتر از آن را با نیاز شدید به تشناب تحمل کنند.

ریاست‌های جندر در ادارات دولتی جهت حمایت از زنان ایجاد شده‌اند اما به‌دلیل بی‌باوری مسئولان و کم‌جراتی زنان، این ادارات به‌جای دخیل‌شدن در تدوین پالیسی‌ها، مقررات و قوانین، به‌عنوان ناظر در امتحان بست‌های پایین‌رتبه‌ی ادارات تنزیل یافته و



## عطیه مهربان

تحتانی شکم، عفونت معده، عفونت کلیه، پریشانی ذهن، درد در هنگام تخلیه ادرار، تب، سنگ کلیه، کیست کلیه و درد در هنگام رابطه جنسی ایجاد می‌کند. چند روز قبل شخصی روایتی در این مورد از همکاری تعریف کرد که من را شوکه ساخت. همکار او در موتر حمله دفتر زمانی که در منطقه ده افغانان در ترافیک می‌ماند و هیچ راهی برای ادرار کردن پیدا نمی‌کند، بی‌اختیار ادرارش می‌ریزد. او دوباره به خانه بر می‌گردد و دیگر هرگز به کارش بر نمی‌گردد. چون او مجبور به کاری شده بود که در جامعه افغانستان شرم بزرگی است.

در کنار این، پرید نیز برای زنان شاغل دردهای خودش را خلق کرده است. در تشناب‌های بسیاری از ادارات دولتی، مکاتب و دانشگاه‌ها زباله‌دانی وجود ندارد. زنان در دوران قاعدگی مجبورند از این چند گزینه یکی را انتخاب کنند: اول، نوار بهداشتی را در جریان روز تبدیل نکنند. دوم، نواز بهداشتی ملوث خود را داخل

در بیست سال گذشته، جامعه جهانی میلیاردها دالر به افغانستان کمک کرد که یک بخش بزرگ آن به زنان اختصاص داده شده بود. حالا اما بعد از سپری شدن دو دهه و مصرف میلیون‌ها دالر، در کنار پابرجایی خشونت‌های خانوادگی و اجتماعی، زنان حتا از نبود تشناب در سطح شهر، ادارات کاری، مکاتب و دانشگاه‌ها شکایت می‌کنند. دسترسی به تشناب در سطح شهر، در وسط جاده‌ها و بزرگ‌راه‌ها، داخل ادارات کاری، مکاتب و دانشگاه‌ها از حقوق اولیه شهروندان یک کشور است. روزنامه اطلاعات روز در گزارش چند روز قبل خود در آستانه روز جهانی همبستگی زنان، به نبود تشناب‌های زنانه در سطح شهر پرداخت و این مسأله سبب شد زنان زیادی از خاطرات تلخ‌شان در این مورد بنویسند. پزشکان توصیه می‌کنند که یک فرد بالغ در یک شبانه‌روز باید ۶-۸ بار ادرار کند. نگهداشتن ادرار نیز عوارضی را مانند بی‌اختیاری در ادرار، درد در قسمت

برخلاف مذهب، بحث فرهنگ و زبان در فضای عمومی کم‌وبیش مطرح، اما وضعیت فرهنگی هزاره‌ها در پاکستان فوق‌العاده ضعیف و ناامیدکننده است. موضع هزاره‌ها در مورد زبان و مذهب، فوق‌العاده دچار تشدد و پراکندگی است و جنگ و آوارگی نیز تروماهای شدیدی بر ذهن و روان آنان به جا گذاشته بی‌آن‌که اسباب تأمل ایشان و موجب تولید ادبیات فاجعه گردد. زبان فارسی هر روز کم و گم‌تر می‌شود. در شهر کوپته، مرکز ایالت بلوچستان، در محلات هزارنشین، بیست سال پیش فضا به مراتب فارسی‌تر از اکنون بود. در بازار و دکان‌ها کلی تابلو به زبان فارسی دیده می‌شد. این بار من در بازار مرکزی شهرک هزاره (هزاره تاون) به ندرت یک تابلوی فارسی می‌دیدم و قهرا وضعیت در مری‌آباد به مراتب بدتر از این است. همه لوحه‌ها، پلاکاردها، و اوراق تبلیغاتی و اعلانات به اردو و انگلیسی بودند. مقارن ایامی که من در کوپته بودم، انجمنی به نام «اوماغ نو» نمایشگاهی از کتاب، آثار فرهنگی و لباس برگزار کرده بود. بیش از ۹۵ درصد کتاب‌ها به انگلیسی و اردو بودند، همه کتاب‌ها کپی و افست بی‌کیفیت بودند؛ خیلی بی‌کیفیت‌تر از کپی‌هایی که در کابل انجام می‌شوند. همه اعلانات در و دیوار و تبلیغات بلندگوها به زبان اردو بودند. فروشنده‌گان همه پشتون و بلوچ بودند و افست‌هایی از کتاب‌های نشر لاهور و کراچی را به هزاره‌ها می‌فروختند.

هزاره‌های کوپته هیچ نشریه قابل توجهی به زبان فارسی ندارند. رسانه و وبسایت خبری هم به زبان مادری‌شان ندارند. نشر کتاب به این زبان نیز بسیار محدود است و در طی دو سه دهه‌ی اخیر کتابی که از لحاظ زبانی مؤثر باشد، از سوی ساکنان فارسی‌زبان این شهر و در این شهر نشر نشده است. زبان فارسی در شهر کوپته به زبان شفاهی بدل شده است. تنها می‌توان در خانه یا کلونی‌های خاص قومی به آن صحبت کرد. و در این صحبت نیز روزبه‌روز واژگان کهن فارسی و تلفظ درست کلمات که ویژگی اصلی لهجه‌ی هزارگی زبان فارسی است، جای خود را به تلفظ کژ و مژ و واژگان اردو و انگلیسی می‌دهد. با ادامه‌ی این روند دیری نخواهد پایید که هزاره‌های افغانستان و پاکستان در صحبت با همدیگر به مترجم نیاز پیدا کنند.

این وضع اکنون است. اما همواره چنین نبوده و به تدریج رفته‌رفته وضع به اینجاها رسیده است. باید دید که چه اتفاق افتاده است؟ زبان فارسی، در محیط کوپته، چنان که در سراسر هند، دارای سوابق و ریشه‌ی طولانی است. تا صد سال پیش تمامی قبایله‌جات زمین و خانه در تمامی نواحی بلوچستان به زبان فارسی تنظیم می‌شدند. زبان فرهنگی و ادبی بلوچ‌ها نیز فارسی بود. بلوچ‌های پاکستان در کوپته همین اکنون یک انجمن فارسی به نام «انجمن فارسی بلوچستان» دارد که گرچه زیاد فعال به نظر نمی‌رسد، اما دست‌کم نشان زنده بودن فارسی به‌عنوان زبان شعر و ادب در میان بلوچان است. از یکی از سرداران بلوچ به نام نواب میرگل محمد خان زیب مگسی دیوان شعری به زبان فارسی به نام «زیب‌نامه» در «پنج گلدسته» یعنی پنج دفتر باقی مانده است که به‌لحاظ مضمون تکراری است ولی نشان استحکام زبان شاعر و تعلق خاطر او به سنت ادبی شعر فارسی است. این اثر در سال ۱۹۹۴ به توجه و فرمایش وزیر اعلا سابق ایالت بلوچستان، نواب ذوالفقارعلی خان، که خود از نوادگان شاعر است، و با دیباچه‌ی از استاد نادر قمبرانی رییس انجمن فارسی بلوچستان منتشر شده است. از دیباچه‌ی مختصر قمبرانی و نیز از مقدمه‌ی استاد شرافت عباس بر این کتاب پیداست که زبان فارسی در ایالت بلوچستان به‌خصوص شهر کوپته و نواحی خضدار و قلات پایه‌ی استوار و ریشه‌ی ژرف داشته و شاعران چون رابعه‌ی خضداری، میرزاگل محمد و آخوند زاده عبدالعلی و افراد دیگر

از میان‌شان برخاسته‌اند. استاد قمبرانی در دیباچه‌ی دیوان شعر مذکور نواب مگسی نوشته است: «چند سال قبل ارباب دانش در بلوچستان جهت ترقی و ترویج زبان فارسی، انجمن فارسی بلوچستان را بنیاد نهادند. و نشریه‌ای به نام «صریر بولان» نیز به نشرات آغاز کرد. به همت انجمن مذکور شعبه‌ی فارسی در دانشگاه بلوچستان گشایش یافت.» که البته ناشی از شوق و همت بسیار بوده است.

اما اکنون وضعیت به‌شدت تغییر کرده است. نسل استادان فاضل و فارسی‌دان چون قمبرانی، شرافت عباس، انعام‌الحق کوثر، ملامحمدحسن بنگلزی و ناطق مکرانی در حال انقراض است. گسست نسل‌ها شتاب فزاینده گرفته و زبان‌های اردو و انگلیسی همه‌جا را فتح کرده‌اند. چنین به‌نظر می‌رسد که بلوچان و هزاره‌ها همکاری‌های اندکی برای حفظ زبان فارسی به‌عنوان میراث مشترک‌شان داشته‌اند و نسل جدید هزاره‌های پاکستان به ندرت می‌تواند آثار مکتوب نیاکان‌شان را بخواند. محمدعلی اختیار، یکی از شاعران فارسی‌زبان بلوچستان از قوم هزاره است که دو دیوان شعر به فارسی و اردو از او به جا مانده است. اما این آثار اکنون برای نسل کنونی قابل استفاده نیست. و شکاف نسلی و گسست فرهنگی تا این پیمان، برای من حیرت‌آور و تکان دهنده بود. شعبه‌ی زبان فارسی در دانشگاه بلوچستان فعال است که حامی آن همان «انجمن زبان فارسی بلوچستان» است ولی تلاش‌های من برای دیدار مسئولان انجمن تا آخرین لحظات حضور در کوپته بی‌نتیجه ماند. پس از جست‌وجوی بسیار مطلع شدم که هر دو بزرگوار، شرافت عباس و نادر قمبرانی از دنیا رفته‌اند و سرنوشت انجمن‌شان نیز در هاله‌ای از تردید و ابهام قرار گرفته است. از نشریه «صریر بولان» که ارگان نشراتی این انجمن بوده است نیز، با این‌که از اشخاص مطلع پرس‌وجوی کافی به عمل آمد، هیچ نشانی به‌دست نیامد.

«تنظیم نسل نو هزاره مغل» یک نهاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هزاره‌های پاکستان است. نخستین نشریه این نهاد «ذوالفقار» نام داشت که بیشتر به زبان فارسی و احياناً به زبان‌های اردو و انگلیسی نشرات می‌کرد. به تدریج نشریات دیگری نیز از سوی این نهاد منتشر شد که اغلب مانند «چهل دختران»، «فکر و ادب» و «پیغام تنظیم» به زبان اردو بودند. تنها ارگان نشراتی تنظیم نسل نو «دیدگاه نسل نو» به زبان فارسی نشرات می‌کرد که آن هم متوقف شده و این اواخر تحت تأثیر جدال‌های هویتی، «سپیت» (بشارت) را به لهجه‌ی هزارگی نشر می‌کند که شاید برای اشباع احساسات نهنچندان پایدار خالی از فایده نباشد، اما سودی به حال زبان ندارد و به قوت زبانی هزاره‌ها کمکی نخواهد کرد. تنظیم نسل نو اما آثار دیگری هم نشر کرده که مهم و سزاوار توجه است که از جمله‌ی آن‌ها دو فرهنگ لغت به نام‌های «جامع‌اللغات هزارگی» و «فرهنگ تطبیقی گویش هزارگی» هردو تألیف خانم زیب‌النساء علی‌خان سزاوار یادآوری است. خانم زیب‌النساء علی‌خان اکنون در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، بخش زبان و ادبیات خارجی، شعبه‌ی زبان اردو، به‌عنوان استاد مشغول به کار است. کتاب محمد اوتادالعجم به زبان انگلیسی به‌عنوان «مطالعه‌ی جامعه‌شناسانه‌ی قبیله هزاره در بلوچستان» که در سال ۱۹۷۳ به‌عنوان رساله‌ی دکترای مؤلف به دانشگاه کراچی تقدیم شده است، نیز به‌تازگی از سوی اکادمی هزارگی وابسته به تنظیم نسل نو هزاره مغل منتشر شده که کار مفید و سزاوار تقدیر است.

اوتادالعجم برابر گزارش خودش از آن رو به مطالعه‌ی تاریخی، فرهنگی و زبانی هزاره‌ها علاقه‌مند شد که آنان را فارسی‌زبان یافت. اما هزاره‌های پاکستان به‌رغم تأکید بر حفظ هویت

## جدال هویت و سیاست (۲)

### اشاره‌ای به وضع اکنون و آینده‌ی سیاسی و فرهنگی هزاره‌ها



جدید می‌برند. اگر فرض کنیم که دو بار این فروپاشی و شکل‌گیری ادامه یابد، چه مقدار از میراث این زبان باقی خواهد ماند؟ طبیعی است که آنان واژگان اندکی را به کودکان خود منتقل خواهند کرد و خاطرات کمی را با خود به خانه‌ی جدید خواهند برد و با گذر زمان این میراث کم و کم‌تر خواهد شد و در پایان آنچه که باقی می‌ماند فقط یک نام است: هزاره. و این نام تنها چون در جدال هویت‌ها کم می‌آورد و از گذشته‌های خود دور می‌شود ولی به هیچ‌گونه انجمنی نپیوسته است، ناگزیر به خامک‌دوزی و ساختن مجسمه‌های بودا از گل و تاسیس انستیتوت کیبلاقی روی خواهد آورد و چون این تلاش‌ها مذبح‌خانه است و راه به جایی نمی‌برد، هزاره با هر بارد دست و پا زدن خود را به پایان خود نزدیک می‌کند. زیرا فرجام این روند از کفر رفتن تمامی ابزار بقا است. این هزاره، نه ادبیات مکتوب دارد، نه تاریخ مدون و نه فرهنگ تأثیرگذار، بلکه تنها یک مصرف‌کننده‌ی دست دوم در زبان اردو و انگلیسی خواهد بود. این است وضع اکنون امر واقع زبان فارسی در میان هزاره‌های پاکستان.

باری، این‌که در چنین جو و فضایی، هنوز زبان فارسی در میان هزاره‌های کوپته رمقی دارد و نفسی می‌کشد، خود پدیده‌ی جالب و سزاوار توجه است. درصد زیادی از هزاره‌ها در پاکستان، توانایی خواندن و نوشتن به زبان فارسی را ندارند و چنان‌که یاد شد، این زبان تنها به زبان ارتباط خانوادگی و قومی آنان بدل شده است. مع‌الوصف زبان فارسی بقا کرده است و همین وجود شفاهی و گفتاری و غیر مکتوب این زبان خود غنیمتی است که باید قدر نهاده شود. دلیل این بقا مهاجرت مستمر هزاره‌ها از داخل، فرهنگ روضه‌خوانی و تبلیغ مذهبی و موسیقی است. معروف است که دیرها

آمده و سراسر شب شبکه‌های اجتماعی را تعقیب می‌کند تا بازتاب گزارش امروز خودش را در شبکه‌های اجتماعی ببیند. پسر دوست دارد که در بحث خانوادگی شرکت کند، ولی فرصت ندارد. پدر نیز روز در بازار کار کرده و از این صحبت خانوادگی لذت می‌برد. هم زن خانه در فروشگاه، هم مرد خانه در بازار، هم دختر از مدرسه و هم پسر از دفتر روزنامه چیزهایی را با خود در این بزم خانوادگی آورده‌اند و هم هر یکی چیزهایی را در محل باشش روزانه‌ی خودشان جا گذاشته‌اند. زن خانواده تنها لباس و پارچه نیاورده است، همراه با کالای خرید شده چند تا کلمه‌ی تازه را نیز به خانه آورده است. چنین واقعیتی در مورد سایر اعضای خانواده نیز صادق است. بدیهی است که آنان تنها کلمات تازه به خانه نمی‌آورند، کلمات بسیاری از دست نیز می‌دهند. تصور کنیم که این وضعیت در چند نسل ادامه یابد، نتیجه همان خواهد شد که وضعیت امروز زبان فارسی است. با طی این فرایند زبان فارسی امروز در میان هزاره‌های پاکستان دو ویژگی پیدا کرده است: نخست این‌که حالت فیزیونومیک یافته و به مثنی واژگان و افعال تقلیل پیدا کرده است؛ دوم این‌که به یک ژارگون خانوادگی بدل شده و بیرون از آن هیچ جایگاهی ندارد.

زبان فارسی نه زبان آموزش است، نه زبان اداره و سیاست، نه زبان بازار و اقتصاد و تجارت. زبان فارسی می‌توانست برای فارسی‌زبانان پاکستان زبان فرهنگ باشد که تا کنون از این حیث نیز مورد التفات قرار نگرفته است؛ بلکه تنها زبان خانوادگی و یادآور خاطرات دور و دردناک است. حال، با این وضعیت، بازهم همان خانواده‌ی فرضی خود را در نظر بگیریم، بعد از مدتی این خانواده فرو می‌پاشد، فرزندان ازدواج می‌کنند و خانواده‌ی جدید تشکیل می‌دهند. فرزندان میراث اندکی از زبان مادری به این خانه‌های

فرهنگی خود، به‌عنوان تنها فارسی‌زبانان شبه‌قاره‌ی هند، در حفظ زبان فارسی با چالش‌های بسیار مواجه بوده است. در ۱۹ فبروری ۲۰۲۱ با رییس و اعضای تنظیم نسل نو هزاره مغل در شهر کوپته دیدار و در محفل‌شان سخنرانی کردم. وضعیت زبان فارسی غم‌انگیز و مأیوس‌کننده بود. من در سخنان خود گفتم نگرانم که در سال‌های آینده همین رشته‌ی باریکی که ما را به همدیگر وصل می‌کند، قطع شود و ما برای صحبت‌کردن از غم‌ها و غصه‌های مشترک، زبان مشترک نداشته باشیم. تمام شواهد و قرائن از جدی بودن این نگرانی حکایت دارد.

خوب است که به اجمال به روند پیچیده‌ای که هزاره‌ها را در پاکستان دچار بی‌زبانی و مآلی هویتی می‌کند، تا جایی که من توانستم ببینم، به اجمال اشاره کنم. بگذارید با یک پدیده روزمره و ملموس که هرکس می‌تواند آن را در شهر کوپته مرکز ایالت بلوچستان، تجربه کند شروع کنم. خانواده‌ی معمولی را در نظر بگیرید که متشکل از زن، شوهر و فرزندان باشد. زن خانه‌دار است، بچه‌ها به مکتب می‌روند و برخی فارغ‌التحصیل شده و در اداره کار می‌کنند، مرد کارگر بازار، مثلاً دکان‌دار، است. زن این خانواده، روز در بازار با فروشندگان پارچه و لباس با زبان اردو چانه‌زنی می‌کند، شب با پسران، دختران و شوهر خود درباره‌ی کیفیت جنس خریده‌شده، با زبان فارسی آمیخته به کلمات اردو و انگلیسی و لهجه‌ی هزارگی، بحث می‌کند. دختر خانواده روز در مکتب به زبان اردو درس می‌خواند، شب ساعتی را مشغول انجام کارخانگی خود به زبان اردو است و اگر وسوسه فضای مجازی رخست دهد، شاید در این بحث خانوادگی پیرامون پارچه‌های خریداری‌شده‌ی مادرش شرکت کند و با دوز بالاتری از زبان اردو و انگلیسی نظر خود را بیان کند. برادر روزنامه‌نگار است و دیروقت از دفتر روزنامه



## اعتراضات میانمار: رهبر گروهی از نمایندگان مجلس: «تا بروز انقلاب از پا نخواهند نشست»

است. ارتش هیچ مدرکی برای این اتهام ارائه نکرد، و یک نماینده لیگ ملی برای دموکراسی هم این ادعا را رد کرد. خانم سوچی از پنج هفته پیش در مکانی نامعلوم در بازداشت خانگی است و با چندین اتهام دیگر از جمله ایجاد «ترس و هشداری»، داشتن تجهیزات رادیویی بطور غیرقانونی، و نقض محدودیت‌های همه‌گیری کووید-۱۹ روبرو است. از زمان کودتا، ارتش برای جلوگیری از اعتراضات گسترده خیابانی، دست به خشونت زده است، طوریکه دهها نفر را کشته و محکومیت گسترده بین‌المللی را برانگیخته است. ایالات متحده آمریکا تحریم‌هایی علیه رهبران کودتا وضع کرده است، همچنین در حال انجام اقداماتی است تا مانع دسترسی ارتش به یک میلیارد دلار بودجه دولت میانمار که در آمریکا است، بشود. ارتش میانمار انتقادات از اقدامات خود را نپذیرفته است، در عوض خانم سوچی را مسئول این خشونت‌ها می‌داند.

برادران از همه اقوام، که چندین دهه از انواع ستم‌های دیکتاتوری رنج برده‌اند... این انقلاب فرصتی است تا تلاش‌های خود را یکپارچه و متحد کنیم». این رهبر معترض افزود: «علی‌رغم اختلافات گذشته، این لحظه‌ای است که ما باید دستان همدیگر را محکم بگیریم تا به این دیکتاتوری یکبار برای همیشه خاتمه دهیم». ارتش میانمار گروه سی‌آرپی‌اچ را یک گروه غیرقانونی می‌داند و هشدار داده است هر کسی با آنها همکاری کند با اتهام خیانت روبرو خواهد شد.

### چه اتفاقاتی تاکنون افتاده است؟

ناظران بین‌المللی مستقل ادعای ارتش مبنی بر انتخابات تقلبی در نوامبر سال ۲۰۲۰ را رد کرده و گفته‌اند هیچ تخلفی مشاهده نشده است. هفته گذشته، ارتش خانم سوچی را متهم کرد که بطور غیرقانونی ۶۰۰ هزار دلار و ۱۱ کیلوگرم طلا دریافت کرده

پیروزی چشمگیری داشت، اما ارتش نتیجه را نپذیرفت و گفت در رای‌گیری تقلب شده است. نمایندگان از حزب لیگ ملی برای دموکراسی، که بعد از کودتا موفق به فرار از دستگیری شدند، گروه جدیدی را به نام کمیته نمایندگی پیدانگسو هوتاو (سی‌آرپی‌اچ) تشکیل داده و ماهن وین خائینگ ثان را بعنوان رهبر آن منصوب کرده‌اند. این گروه در صدد است تا حمایت جامعه بین‌المللی را بدست آورد و از طرف آنها بعنوان دولت برحق میانمار به رسمیت شناخته شود.

### ماهن وین خائینگ ثان چه گفت؟

ماهن وین خائینگ ثان در یک سخنرانی در فیسبوک گفت «این لحظه‌ای است که شهروندان ما بایستی مقاومت خود در برابر لحظات تاریک را به بوته آزمایش بگذارند». او گفت: «برای تشکیل یک دموکراسی فدرال، برای همه

اطلاعات روز: رهبر گروهی از نمایندگان مجلس و سیاستمداران میانمار که با کودتای نظامی برکنار شده‌اند، عهد کرده است که تا بروز «انقلاب» علیه مقامات کودتا از پا نخواهد نشست. به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، ماهن وین خائینگ ثان در اولین سخنرانی عمومی خود گفت «این تاریکترین لحظه این ملت است، و لحظه نزدیک شدن طلوع آفتاب». او از مخفیگاهش، رهبری گروهی از نمایندگان مجلس را که از پذیرش کودتای ماه گذشته سر باز زده‌اند، برعهده گرفته است. از زمان کودتا و کنترل ارتش در روز ۱ فروری و بازداشت آنگ سان سوچی، رهبر حزب لیگ ملی برای دموکراسی، میانمار شاهد اعتراضات گسترده خیابانی است. گزارش‌ها حاکی از کشته شدن ۱۲ نفر دیگر از معترضان، در روز شنبه ۱۳ مارچ، است. حزب لیگ ملی برای دموکراسی در انتخابات سال گذشته

### آغاز سال انتخاباتی آلمان؛

## آزمون دشوار حزب مرکل شروع شد

اطلاعات روز: انتخابات در دو ایالت آلمان به آزمونی دشوار برای حزب دموکرات مسیحی، حزب صدراعظم، انگلا مرکل بدل شده آن هم تنها شش ماه پیش از برگزاری رای‌گیری سراسری که نتیجه آن جانشین رهبر پرسابقه این کشور را تعیین خواهد کرد. به گزارش یورونیوز فارسی، مردم ایالت‌های راینلند فالتس و بادن وورتمبرگ در حالی روز یکشنبه (۱۴ مارچ) به پای صندوق‌های رای رفته‌اند که نتایج آخرین نظرسنجی‌ها از افت محبوبیت اتحادیه دموکرات

مسیحی با گرایش راست میانه حکایت دارد. نارضایتی عمومی از روند کند واکنش‌های کورونا در آلمان و نیز متهم شدن دو عضو این حزب در پارلمان به دست داشتن در تجارت ماسک موجب شده تا محبوبیت حزبی که صدراعظم آلمان تا سال ۲۰۱۸ رهبری آن را نیز بر عهده داشت، کاهش یابد؛ در عین حال، رخدادی ناخوشایند برای آرمین لاشت که از ژانویه گذشته رهبری حزب دموکرات مسیحی را بر عهده گرفته است. البته حزب دموکرات مسیحی امیدوار است که به

دلیل استقبال از رای‌دهی به شیوه پستی در شرایط همه‌گیری کرونا بخشی از تاثیر منفی رسوایی ماسک بر آرای حضوری که امروز (یکشنبه) به صندوق‌ها ریخته خواهد شد، کاسته شود. در حال حاضر، ایالت بادن وورتمبرگ هم‌اکنون ائتلافی از احزاب دموکرات مسیحی و سبزها به ریاست وینفرید کرچمان از حزب سبزها قدرت را در اختیار دارد و در ایالت راینلند فالتس نیز ائتلافی سه‌گانه از حزب سوسیال دموکرات، سبزها و لیبرال‌ها به ریاست مالو درایر از حزب سوسیال دموکرات عهده‌دار قدرت هستند. سبزها در آخرین انتخابات بادن-وورتمبرگ در سال ۲۰۱۶ موفق شدند با پیشی گرفتن از حزب دموکرات

مسیحی به قدرتمندترین حزب این ایالت بدل شوند. تازه‌ترین نظرسنجی‌ها نیز حاکیست که آنها در انتخابات روز یکشنبه نیز موفق خواهند شد تا فاصله خود را با حزب دموکرات مسیحی بیشتر کنند. در ایالت راینلند فالتس نیز سوسیال دموکرات‌های دارای گرایش چپ میانه نزدیک به ۳۰ است که قدرت را در اختیار دارند و امیدوارند که در پی انتخابات روز یکشنبه همچنان صاحب این قدرت باقی بمانند. انتخابات این دو ایالت، آغاز سال انتخاباتی ۲۰۲۱ در آلمان است که برگزاری انتخابات سراسری در روز ۲۶ سپتامبر، تکلیف صدراعظم این کشور را در پایان ۱۶ سال زمامداری خانم مرکل مشخص خواهد کرد.

## خطر موشک حوثی‌ها، «دلیل لغو» پرواز نتانیاهاو به امارات

شد تا هماهنگی استفاده از حریم هوایی نیز با مشکل روبرو شود. آقای نتانیاهاو در مورد این‌که چرا برای انجام این سفر از مسیر جایگزین، یعنی عبور از حریم هوایی عربستان سعودی، استفاده نکرد، با اشاره به حملات موشکی اخیر شورشیان حوثی یمن گفت: «یک هفته پیش در آسمان عربستان سعودی نیز مشکلاتی وجود داشت.» نخست‌وزیر اسرائیل در این مورد جزئیات بیشتری ارائه نداد. با گذشت حدود شش ماه از عادی شدن روابط اسرائیل و امارات متحده، بنیامین نتانیاهاو قصد داشت اولین سفر رسمی یک مقام اصلی اسرائیل به امارات متحده عربی را رقم بزند.

اطلاعات روز: بنیامین نتانیاهاو، نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید هفته گذشته به دلیل خطر شلیک موشک از سوی گروه‌های نیابتی ایران در یمن، از پرواز به امارات متحده عربی از طریق حریم هوایی عربستان سعودی منصرف شده است. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، آقای نتانیاهاو این مطلب را روز شنبه ۲۳ حوت در گفت‌وگو با شبکه ۱۳ تلویزیون اسرائیل بیان کرده است. به نقل از رادیو فردا، نخست‌وزیر اسرائیل نخست قرار بود هفته گذشته از طریق حریم هوایی اردن به امارات سفر کند، اما اختلاف نظر تازه بین اسرائیل و اردن بر سر مسئله امنیت مسجد الاقصی در بیت‌المقدس باعث

خبرگزاری آسوشیتدپرس می‌نویسد که «وی امیدوار بود» در حالی که کمتر از دو هفته به انتخابات پارلمانی اسرائیل باقی است، از موضوع سفر و دیدار با ولیعهد امارات متحده عربی «برای تقویت مبارزات انتخاباتی خود استفاده کند.» شورشیان حوثی یمن، که پایتخت و بیشتر مناطق شمالی یمن را کنترل می‌کنند، در هفته‌های گذشته حملات خود را به زیرساخت‌های مهم سعودی افزایش داده‌اند. هفته گذشته، موشک‌ها و پهپادهای حوثی‌ها یکی از بزرگترین بنادر نفتی جهان در عربستان را هدف قرار داد و باعث توقف پروازها به سمت فرودگاه بین‌المللی جدّه شد. مقام‌های سعودی ایران را متهم کرده‌اند که موشک و پهپادها را به‌دست شورشیان حوثی می‌رساند. مقام‌های

جمهوری اسلامی از تأیید کمک تسلیحاتی به حوثی‌ها خودداری کرده‌اند. اسماعیل قاآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، روز جمعه ۲۲ حوت، در سخنرانی خود به تمجید از حملات حوثی‌ها به عربستان پرداخت و گفت: «این رزمندگان در کمتر از ۱۰ روز ۸ عملیات موفقیت‌آمیز را بر روی مراکز رژیم سعودی انجام دادند.» او همچنین بار دیگر تهدیدهای جمهوری اسلامی علیه اسرائیل را تکرار کرده و گفت که اسرائیل «در حال کشیدن دیواری دور کشورش به عرض یک متر و ارتفاع ۶ متر است تا در امان بماند، مطمئن باشید که ما آن دیوار را هم خراب خواهیم کرد.»

## درخواست استعفای رییس پولیس لندن در پی نحوه برخورد با مراسم یادبود زنی که به دست پولیس کشته شد



اطلاعات روز: در حالیکه انتقادات درباره نحوه برخورد پولیس لندن با جمعی از شهروندان که برای مراسم یادبودی گردهم آمده بودند ادامه دارد؛ عده‌ای خواستار استعفای کرسیدا دیک، رییس پولیس پایتخت بریتانیا شده‌اند. به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، هم‌زمان پولیس از عملکرد خود درباره نحوه متفرق کردن این تجمع «غیرقانونی» دفاع کرده و می‌گوید افسران پولیس نیاز به «حفظ امنیت عمومی داشته‌اند.» دیروز شنبه (۱۳ مارچ) تجمع‌کنندگان برای برگزاری مراسم یادبود سارا اورارد- ۳۳ ساله- که گفته شده توسط پولیس «ربوده و کشته شده» دور هم جمع شده بودند؛ چند افسر پولیس در این تجمع زنی را به روی زمین خواباندند و چهار نفر را هم دستگیر کردند. نحوه مدیریت این مراسم توسط پولیس در سطح گسترده‌ای مورد انتقاد احزاب مختلف سیاسی بریتانیا قرار گرفته است.

خواستار است. دیروز صدها نفر برای گرامیداشت یاد این دختر ۳۳ ساله در محله کلپهام لندن دور هم جمع شده بودند؛ مرگ این دختر جوان به بحث گسترده‌ای درباره امنیت زنان دامن زد. فیلمهایی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده نشان می‌دهد ماموران پولیس زنان را از محوطه‌هایی که برای ایستادن تعبیه شده بود، بیرون می‌کشیدند. این اتفاق با فریاد «شرم بر تو باد» و «بگذارید بروند» توسط افرادی که نظاره‌گر ماجرا بودند همراه شد؛ این ویدیوها همچنین نشان می‌داد که پولیس آنها را سوار ون کرد و با خود برد. بعضی برگزارکنندگان این مراسم در بیانیه‌ای درباره اقدامات پولیس اظهار «تاسف و خشم فراوان» و از پولیس انتقاد کرده‌اند. بر روی یکی از دست نوشته‌هایی که یک زن در این مراسم حمل می‌کرد نوشته شده بود: «کشته شده

توسط سیستمی که بما گفته شده (از ما) حمایت می‌کند.» پولیس اما گفته است «تنها مسئول» امنیت عمومی است و با بررسی موضوع در پی آنست که آیا این اتفاق «درسهایی در بر دارد یا نه.» برگزارکنندگان این مراسم در ابتدا خواستار لغو این مراسم شده بودند؛ چون پولیس به دلیل محدودیت‌های مرتبط با کرونا قادر به مدیریت «سازنده» این مراسم نبود و برگزاری این مراسم به لحاظ قانونی شرکت کنندگان را با مشکل مواجه می‌کرد. برگزارکنندگان در عوض از ساکنان منطقه کلپهام لندن- جایی که مراسم در آنجا برگزار شد- خواسته بودند ساعت ۹ و نیم و هم‌زمان با ساعتی که این زن جوان برای آخرین بار دیده شده بود، در مقابل خانه خود شمع روشن کنند. یک افسر ۴۸ ساله پولیس در رابطه به این پرونده به آدم‌ربایی و قتل محکوم شده است.

تاکنون در مهار این گروه به شدت مهم بوده است، ادامه خواهد داد یا خیر. برای مثال تاکتیک جنگی که بالاترین تلفات را بر شبه‌نظامیان و رهبری ولایت خراسان دولت اسلامی در بین سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۸ وارد کرده است، یا حملات هوایی یا عملیات‌های زمینی با پشتیبانی هوایی ایالات متحده بوده است. این عملیات‌ها به کشته‌شدن یا دست‌گیری بیش از ۸ هزار فرد وابسته به ولایت خراسان دولت اسلامی از جمله چند امیر این گروه منجر شده است. لازم به ذکر است که داده‌ها درباره مرگ غیرنظامیان در این حملات در حال حاضر در دسترس نیست.

مقابله با ولایت خراسان دولت اسلامی احتمالاً زمانی مؤثریت بیشتر خواهد داشت که شامل ترکیبی از تلاش‌های طالبان و نیروهای امنیتی افغانستان باشد. این مسأله در بیرون‌راندن ولایت خراسان دولت اسلامی از ولایت کنر در ماه فبروری و مارچ سال ۲۰۲۰ با پشتیبانی هوایی ایالات متحده از عملیات نیروهای افغان به خوبی مشاهده شد. خروج کامل ایالات متحده احتمالاً به ولایت خراسان دولت اسلامی انگیزه می‌دهد که اقدام به بازپس‌گیری قلمرو و کنترل اراضی‌ای کند که قبلاً در دست داشت و همچنین حملاتش را در مناطق شهری با هدف تقویت اعتبار خودش و همچنین ایجاد بی‌اعتمادی بین طالبان و حکومت افغانستان، تشدید کند. به این ترتیب توانایی ولایت خراسان دولت اسلامی در تثبیت جایگاهش در آینده افغانستان، نیز به موفقیت گفت‌وگوهای بین‌الافغانی و توقف خشونت بستگی دارد؛ دو مسأله‌ای که در حاضر دست‌نیافتنی باقی مانده است.

پس از خروج کامل امریکا از افغانستان، اگر خشونت همچنان ادامه یابد و از کنترل خارج شود و طالبان بخواهد که بر حکومت و نیروهای امنیتی افغانستان غلبه کند، بهترین شرایط برای قدرت‌مندشدن ولایت خراسان دولت اسلامی فراهم می‌شود. از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که دولت بایدن گزینه خروج مبتنی بر شرایط را انتخاب کند که در آن خروج ایالات متحده منوط به کاهش مداوم خشونت، توافق سیاسی بین‌الافغانی پایدار و حمایت بین‌المللی برای تسهیل اداره کشور و مبارزه با تروریسم خواهد بود. این گزینه گرچه به نظر دشوار می‌آید، اما تنها مسیری است که پیش‌شرط‌های یک رویکرد همکارانه را که برای مختل کردن شبکه ولایت خراسان دولت اسلامی، جلب و جذب این گروه از گروه‌های محلی و منطقه‌ای و هرگونه تلاش برای بازپس‌گیری مراکز قدرتش ضروری است، فراهم می‌کند.

دیدگاه‌های بیان‌شده در این مقاله دیدگاه نویسندگان آن است و نظر مرکز مبارزه با تروریسم، آکادمی نظامی ایالات متحده، وزارت دفاع یا دولت ایالات متحده را بازتاب نمی‌دهد.

دکتر امیرا جدون استادیار «مرکز مبارزه با تروریسم و دیپارتمنت علوم اجتماعی» آکادمی نظامی ایالات متحده در «وست پوینت» نیویورک است.

عبدال سید پژوهش‌گر مستقل است که جهادگرایی و سیاست و امنیت در منطقه افغانستان-پاکستان را مطالعه می‌کند. او در حال حاضر روی پروژه‌های مرتبط به سازمان‌های افراطی‌خشن و جهادگرایی فراملی در منطقه افغانستان-پاکستان کار می‌کند.

## چگونه با داعش در افغانستان مقابله کنیم؟

خروج مبتنی بر شرایط از افغانستان، ممکن است تنها گزینه‌ی امریکا برای مهار «ولایت خراسان دولت اسلامی» باشد



ماه اول سال ۲۰۲۱ مسئولیت ۴۷ حمله را برعهده گرفته است. با این‌که می‌توان انتظار داشت که ولایت خراسان دولت اسلامی در خصوص ادعاهایش درباره تحکیم قدرتش در افغانستان اغراق کند، اما نشانه‌ی دیگر بازگشت این گروه به صحنه، از سرگیری برخی عملیات‌های تبلیغاتی این گروه است. برای مثال، گفته می‌شود که این گروه نشرات رادیویی خود را در افغانستان از اوایل سال ۲۰۲۱ از سر گرفته است. رادیو صدای خراسان، به هواداران این گروه درباره فعالیت‌های ولایت خراسان در سطح منطقه و جهان اطلاعات می‌دهد. علاوه بر این، ولایت خراسان دولت اسلامی پلتفرم‌های محلی دروغ‌پراکنی خود را نیز فعال کرده است. این پلتفرم‌ها به اصطلاح مستندهایی را منتشر می‌کند که به نظر می‌رسد با هدف جذب نیرو از درون مراکز قدرت طالبان طراحی، تولید و منتشر می‌شود. محتوای این انتشارات مضامین آشنایی را در بر می‌گیرد، مانند انتقاد از توافق صلح طالبان با ایالات متحده و انتقاد از دولت پاکستان به خاطر حمایتش از طالبان و همچنین ارائه گزارش‌های تصویری درباره آخرین حملات دولت اسلامی در افغانستان. بنابراین جای تعجب نیست که مقامات متعدد ایالات متحده نیز درباره بازگشت احتمالی ولایت خراسان دولت اسلامی ابراز نگرانی کرده‌اند.

### تأثیر خروج ایالات متحده

تغییر قابل‌توجه در روند فعالیت‌های ولایت خراسان دولت اسلامی در سال ۲۰۲۰ در مقایسه با سال ۲۰۱۹، ممکن است ناشی از آمیخته‌ای از عوامل متعدد از جمله خروج نیروهای امریکایی، بی‌اطمینانی سیاسی، اثرات اقتصادی و اجتماعی منفی همه‌گیری کووید-۱۹ و همچنین عوامل درون‌سازمانی این گروه مانند تغییر رهبری و کاهش جلب و جذب باشد. با توجه به این وضعیت، کاهش بیشتر نیروهای امریکایی در افغانستان چه تأثیری بر ولایت خراسان دولت اسلامی می‌گذارد؟ پاسخ این پرسش به این بستگی دارد که آیا ایالات متحده به همکاری‌اش با افغانستان در امر مبارزه با تروریسم، که

تلاش برای راه‌اندازی استراتژی پرهزینه‌اش برای بازپس‌گیری مجدد قلمرو، از آن برای جذب نیرو و تبلیغ کردن تصمیمش استفاده کند. برپایه مجموعه‌داده‌ی ما درباره حملات ولایت خراسان دولت اسلامی در افغانستان، این گروه مسئولیت ۸۰ حمله را در سال ۲۰۲۰ از جمله ۴۱ حمله در ننگرهار و ۲۳ حمله در کابل و ۷ حمله در ولایت پروان در همسایگی کابل (این ارقام براساس ادعاهایی است که دولت اسلامی از طریق رسانه‌هایی مانند التبا گزارش منتشر کرده است. پایگاه اطلاعاتی Armed Conflict Location & Event Data Project حدود ۶۸ حادثه مرتبط به ولایت خراسان دولت اسلامی را در سال ۲۰۲۰ ثبت و مستند کرده است) برعهده گرفته است. حدود ۳۲ مورد از این حملات علیه نهادهای امنیتی و استخباراتی افغانستان از جمله نیروهای پولیس و کارمندان دولتی بوده است. بقیه حملات اقلیت‌های افغانستان مانند شیعیان و جامعه سیک و سفارت امریکا در کابل و پایگاه نظامی ایالات متحده در بگرام و همچنین طالبان افغانستان را هدف قرار داده است. این ارقام، در مقایسه با داده‌های سال‌های گذشته، افزایش قابل‌توجه را در فعالیت‌های ولایت خراسان دولت اسلامی نشان می‌دهد و با آمار درباره فعالیت‌های این گروه در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ (سال‌های اوج) که به ترتیب مسئولیت ۱۰۰ و ۸۴ حمله در افغانستان به این گروه نسبت داده شد، قابل مقایسه است. این روند صعودی در حملات که مسئولیت آن‌را ولایت خراسان دولت اسلامی به عهده گرفته است، به نظر می‌رسد در سال ۲۰۲۱ نیز ادامه یافته است. این گروه تنها در دو

شده است، اما همچنان مقاومت کرده است. ولایت خراسان دولت اسلامی اواسط سال ۲۰۲۰ امیر جدید برگزید. داکتر شهاب المهاجر، متخصص جنگ شهری با این انتظار که استراتژی رزمی ولایت خراسان دولت اسلامی را در محیطی به سرعت در حال تغییر افغانستان (با توجه به امضای توافق صلح بین ایالات متحده و طالبان) تغییر دهد، به عنوان امیر این گروه منصوب شد. اعتقاد بر این است که المهاجر از زمان انتصابش به عنوان امیر این گروه، برخی از حملات و عملیات‌های پیچیده ولایت خراسان دولت اسلامی را، از جمله محاصره ۲۰ ساعته زندان شهر جلال‌آباد در ماه آگوست سال ۲۰۲۰، طراحی و انجام داده است. همچنین الهام‌گر در تلاش برای تحکیم جای‌پای ولایت خراسان در افغانستان، اعلام کرده است که آن عده از اعضای این گروه که قبلاً پس از شکست‌شان در ولایت ننگرهار و کنر به نیروهای حکومت افغانستان تسلیم شده بودند، مورد عفو عمومی رهبری این گروه قرار می‌گیرند.

ولایت خراسان دولت اسلامی در یک سال گذشته و ماه‌های اخیر برانجام حملات به شدت تحریک‌آمیز در ولایات مهم و استراتژیک ننگرهار و کابل تمرکز کرده است. حمله سال گذشته این گروه بر زایشگاهی در کابل، هدف قراردادن معبد سیک‌ها و همچنین کشتن سه زن عضو رسانه در ماه مارچ ۲۰۲۱، از جمله حملاتی است که این گروه با انجام آن سعی در جلب توجه کرده است. با توجه به وضعیت ضعیف ولایت خراسان دولت اسلامی، حملات مرگبار و تحریک‌آمیز در کابل و ننگرهار ابزار خوبی برای این گروه است تا قبل از

پس از خروج کامل امریکا از افغانستان، اگر خشونت همچنان ادامه یابد و از کنترل خارج شود و طالبان بخواهد که بر حکومت و نیروهای امنیتی افغانستان غلبه کند، بهترین شرایط برای قدرت‌مندشدن ولایت خراسان دولت اسلامی فراهم می‌شود. از سوی دیگر، این احتمال وجود دارد که دولت بایدن گزینه خروج مبتنی بر شرایط را انتخاب کند که در آن خروج ایالات متحده منوط به کاهش مداوم خشونت، توافق سیاسی بین‌الافغانی پایدار و حمایت بین‌المللی برای تسهیل اداره کشور و مبارزه با تروریسم خواهد بود.



امیرا جدون و عبدال سید، اینکستیک‌میدیا مترجم؛ جلیل پژواک

در «هنمود استراتژیک مؤقت امنیت ملی» ایالات متحده که در ۳ مارچ منتشر شد، حکومت بایدن وعده می‌دهد که «جنگ‌های ابدی» امریکا را پایان دهد و مطمئن شود که «افغانستان دوباره به لانه امن برای طراحی حملات تروریستی علیه ایالات متحده تبدیل نخواهد شد.» در این‌جا هدف واضح است، اما مسیر رسیدن به آن پرپیچ‌وخم و مستلزم همراهی چند بازیگر و اتخاذ تصمیم دشوار است. حکومت بایدن باید تصمیم بگیرد که آیا ۲۵۰۰ سرباز باقی‌مانده ایالات متحده را تا اول ماه می از افغانستان خارج کند یا خیر. اما رییس‌جمهور بایدن هر تصمیمی بگیرد، یک چیز واضح است؛ آن این‌که تصمیم بایدن نقش مهمی در شکل‌دهی رفتار بازیگران متعدد درگیر در افغانستان خواهد داشت.

حکومت افغانستان، طالبان، نیروهای خارجی و کشورهای منطقه از بازیگران اصلی جنگ جاری در افغانستان به شمار می‌روند. در این میان بازیگری که خیلی به آن توجه نمی‌شود، گروه وابسته به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به نام «ولایت خراسان دولت اسلامی» در افغانستان است. با این‌که ولایت خراسان دولت اسلامی توانایی حمله مستقیم بر اهداف غربی را نداشته است، اما برخی معتقدند که این گروه در صورت داشتن ظرفیت چنین حملاتی، از انجام آن دریغ نمی‌کند. این گروه پس از تحمل تلفات قابل‌توجه در سال‌های گذشته، اکنون در حال بازسازی تدریجی خودش است و این نشان می‌دهد که عزم این گروه بر این است که از طریق انجام حملات به صورت فزاینده تحریک‌آمیز دوام بیاورد. این‌که حالا ولایت خراسان دولت اسلامی تضعیف می‌شود یا قدرت‌مند، بستگی به تصمیم دولت بایدن در خصوص گام بعدی‌اش در افغانستان دارد.

### ولایت خراسان دولت اسلامی در پی چیست؟

ولایت خراسان دولت اسلامی اندکی پس از ظهورش در منطقه افغانستان-پاکستان در اوایل سال ۲۰۱۵، موجی از حملات مرگبار را در سرتاسر این منطقه به راه‌انداخت. این گروه برای تقویت «کشندگی» حملاتش کارزارهای بمب‌گذاری انتحاری را در کابل افغانستان و بلوچستان پاکستان سازمان داد. به تعقیب آن کارزار شدید مقابله با تروریسمی که علیه این گروه در دو طرف مرز به راه افتاد و نیز درگیری این گروه با طالبان افغانستان، ظرفیت عملیاتی ولایت خراسان دولت اسلامی را به میزان چشم‌گیری کاهش داد، اما نتوانست این گروه را از بین ببرد. ولایت خراسان دولت اسلامی با این‌که ضعیف شده و قلمروش را از دست داده است و در رده رهبری و نیز در صفوف جنگ‌جویانش دچار تلفات سنگین

جوان از طریق تداوم همین برنامهها صورت میگیرد.  
 اما با توجه به عدم آگاهی مردم از اهمیت و ارزش آثار باستانی و تاریخی هنوز این تهدید وجود دارد که ساحات باستانی در بامیان مورد استفاده شخصی مردم قرار بگیرد. خانم حسینی در مورد این نگرانیها میگوید «ما تلاش می‌کنیم آگاهی‌دهی کنیم که آثار باستانی چقدر با ارزش و مهم است. در همین چند سال اخیر برای به محاکمه کشیده شدن عاملان قضیه تلاش‌های جدی کردیم تا جایی که محمدطاهر زهیر (سرپرست وزارت اطلاعات و فرهنگ) در سخنرانی آنلاین خود گفت ما می‌خواهیم دوسیه رسمی در قسمت پی‌گیری بررسی جنایت عاملان از ریاست اطلاعات و فرهنگ به وزارت روان شود تا ما دوسیه‌ها را به واسطه محکمه ملی افغانستان بررسی کنیم.» همچنان خانم حسینی می‌گوید برای تکرار شدن حادثه‌های این چنینی باید «ماستر پلان شهری به نقاط سبز، زرد و سرخ توجه داشته باشد. البته تلاش‌هایی که در این سال‌ها صورت گرفته مردم را کم‌کم متوجه اهمیت قضیه کرده‌اند.»  
 آن‌طور که پیداست ساحات باستانی در بامیان مورد بهره‌برداری‌های شخصی و حتا سوءاستفاده قرار می‌گیرد. نه مردم و نه نهادهای مسئول توجه لازم برای حفاظت و مراقبت از این ساحات به خرج نمی‌دهند. بر این مبنا اعضای گروه یادآوران در اخیر می‌گویند «رواق‌های بودای بامیان در اثر تخریب و آسیب جدی که بر آن وارد شده است در حال فروریختن است. از اداره محلی، وزارت اطلاعات و فرهنگ و سازمان علمی-فرهنگی یونسکو می‌خواهیم تا جهت تحکیم کاری رواق‌های بودا و ترمیم دیگر آثار باستانی تلاش ورزند.»

**فاجعه فرهنگی قرن**  
 «فرهنگ» وجه بارز زندگی انسان‌ها نسبت به بقیه هم‌عانش است. به همین ترتیب، حضور تندیس‌های بودا در ولایتی که فعلا چندان مورد توجه قرار ندارد و حکومت دید کم‌وبیش تبعیض‌آمیز نسبت به آن دارد غنیمت بزرگ برای محرومیت‌زدایی از بامیان بود. البته این وجه کوچک قضیه است. اما در سطح کلان، حضور تندیس‌های بودا نه تنها برای افغانستان غنیمت فرهنگی و هنری محسوب می‌شد بلکه از بخشی از گذشته‌ی تمام تاریخ بشر یادآوری می‌کرد. بر این مبنا گروه «یادآوران» ویران کردن تندیس‌های بودا را «فاجعه فرهنگی قرن» نام نهاده‌اند و امسال گفتمان علمی را به همین نام نیز برگزار کردند. محمدرضا ابراهیم (استاد دانشگاه و سخنران در این برنامه) در صحبت با روزنامه اطلاعات روز در این زمینه که تجلیل و یادآوری از پیکره‌های نابودشده بودا چه پیامی دارد، می‌گوید «در قدم اول ما با این کار تاریخ باستانی بامیان را ارج می‌نهیم و از یک قتل عام وحشتناک فرهنگی یادآوری می‌کنیم. دوم، ما با این کار برای به محاکمه کشیده شدن عاملان قضیه دادخواهی می‌کنیم. و اگر در آینده بودا آباد شود این تجلیل می‌تواند نقطه عطف باشد.» آقای ابراهیم علاوه می‌کند «اگرچند برگزاری چنین برنامه‌ها محدود است و بسنده نیست اما در کل مفید است. زیرا گرامی‌داشتن از چنین آثاری می‌تواند در نزد جامعه جهانی و سازمان‌های کمک‌کننده اهمیت داشته باشد.» ایشان می‌افزاید «از طریق این برنامه‌ها باید بفهمانیم که این خاطره هیچ‌گاه فراموش نباید شود و تبدیل به فرهنگ شود و نسل‌های کنونی از ارزش آن باخبر شوند. در حقیقت باخبری و اهمیت دادن به میراث‌های فرهنگی در نزد نسل

استقبال می‌کنند و ضمن این‌که خواهان تداوم این برنامه است برای به نتیجه رسیدن خواسته‌های بنیان‌گذاران این برنامه (که همانا به محاکمه کشیده شدن عاملان ویران کردن بودا و حفاظت بیشتر از ساحات باستانی‌اند) نیز تلاش می‌کنند. امیرجان کوثری یک تن از فعالان مدنی بامیان در این مورد می‌گوید «برنامه شنبی با بودا در معرفی، شناخت، جلب توریسم و ترویج و حفاظت میراث‌های فرهنگی اعم از ملموس و ناملموس نقش اساسی دارد.» آقای کوثری اضافه می‌کند «این برنامه می‌تواند در دادخواهی برای حفاظت، مرمت و ترمیم آثار باستانی بامیان و متوجه نمودن دولت و نهادهای بین‌المللی نقش اساسی ایفا کند و از این‌رو تداوم آن ضروری است.»  
 خانم زهرا حسینی (مسئول گروه یادآوران) در گفت‌وگو با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید «گروه یادآوران از فعالیت‌هایی که به منظور حفظ تمدن و فرهنگ بشر صورت پذیرد حمایت می‌کند و باور دارد که حفظ و نگهداری آثار تمدنی و فرهنگی ضمن این‌که موجب جذب گردشگران می‌گردد، به معنای حرست و نگهداری از هویت یک جامعه نیز می‌باشد.» خانم حسینی و گروه‌شان خواهان به محاکمه کشیده شدن عاملان قضیه نیز هستند: «فراموشی و نادیده‌نگاری جنایت به صلح پایدار و عدالت اجتماعی نمی‌انجامد. از محاکم و نهادهای ملی و بین‌المللی می‌خواهیم که عاملان این جنایت فرهنگی را محاکمه و به پنجه قانون بسپارند.»  
 گروه «یادآوران» در حالی برنامه فرهنگی-هنری «شنبی با بودا» را برگزار می‌کند که گروه تروریستی طالبان (کسانی که تندیس‌های بودا را برای همیشه از دل کوه‌پایه‌های بامیان حذف کردند) در حال بازگشت‌اند. به لحاظ سیاسی افغانستان در وضعیت نابه‌سامان به سر می‌برد و گفت‌وگوهای صلح فعلا متوقف است. یکی از طرف‌های اصلی این گفت‌وگوها (طالبان) گروه به شدت بنیادگرا و واپس‌گرا است که ارزش‌های جهان مدرن را بر نمی‌تابد. با وارد شدن این گروه در بخشی از حکومت این نگرانی وجود دارد که طالبان دوباره علیه فرهنگ و هنر به پا خیزند. خانم حسینی در این مورد می‌گوید «ما می‌خواهیم بدانیم در گفت‌وگوهای صلح جایگاه میراث هنری و فرهنگی در کجاست و طالبان چه رویکردی به میراث هنری و فرهنگی دارند.» در بخشی از بیانیه‌ای که این گروه همگانی کرده، آمده: «داشته‌های فرهنگی و تمدنی ما که سرمایه معنوی کشور ماست در گفت‌وگوهای صلح نباید دست‌خوش برخوردهای سلیقه‌ای شود و باید ضمانتی وجود داشته باشد که حادثه فاجعه تخریب بودا و موزیم ملی کابل، تخریب مجسمه‌های بودا در لوگر، به آتش کشاندن اثرهای تاریخی آرشیف ملی و حادثات مشابه آن تکرار نشود.»



## ۲۰ سالگی «فاجعه فرهنگی قرن»

شنبی با بودا به دنبال محاکمه‌ی عاملان ویرانی بودای بامیان

عباس اسدیان

**شنبی با بودا**  
 گروه «یادآوران» در سال ۱۳۹۱ توسط جمعی از فعالان رضاکار و حامی فرهنگ و تمدن ایجاد شد. اعضای این گروه می‌گویند «هدف از ایجاد این گروه حفاظت از میراث فرهنگی ملی و زمینه‌سازی در راستای مطالعات فرهنگی و هنری با برگزاری برنامه‌های مختلف برای حفاظت و ارج‌گذاری به میراث فرهنگی جهان و تقویت فرهنگ محلی است.» گروه «یادآوران» در این راستا برنامه «شنبی با بودا» را در ماه حوت برگزار می‌کند. این برنامه محتوای گوناگون دارد که از جمله می‌توان به «نمایشگاه کتاب و نقاشی»، «پیداده‌روی اعتراضی»، «شام فرهنگی»، «رقص سماع»، «اجرای تئاتر»، و «نمایش سه‌بعدی تندیس صلیصال» اشاره کرد. تمام جست و خیزها یک هدف نهایی دارد: محاکمه عاملان این فاجعه فرهنگی قرن.  
 میزان استقبال از این برنامه نظر به هر سال متفاوت بوده است که امسال به دلیل حضور دانشجویان دانشگاه بامیان برنامه از جنب‌وجوش بیشتر برخوردار بود. فعالان مدنی بامیان نیز از این برنامه به خوبی

در ۱۹ حوت سال ۱۳۷۹ ه.ش حکومت طالبان، پس از روزها تلاش برای جاسازی بمب، بزرگ‌ترین تندیس‌های بودا (صلصال و شه‌مامه) را در بامیان با خاک یکسان کردند. این دو تندیس از بزرگ‌ترین تندیس‌های سنگی بودا، و به همین ترتیب، ناب‌ترین آثار هنری و باستانی در جهان محسوب می‌شد. ارتفاع تندیس‌های صلیصال و شه‌مامه به ترتیب ۵۳ و ۳۶ متر و فاصله بین‌شان حدود ۸۰۰ متر است. طالبان، به خواسته‌های مکرر جامعه جهانی و یونسکو مبنی بر تخریب نکردن تندیس‌های بودا، اعتنایی نکردند و آنان را منفجر کردند. بعد از آن تلاش‌های جسته و گریخته، اما بدون نتیجه‌ی مشخص، برای به محاکمه کشیده شدن عاملان این قضیه و نیز مرمت دوباره تندیس‌های بودا تلاش صورت گرفته است. از جمله گروه «یادآوران» از ۹ سال بدین سو همه‌ساله برنامه هنری-فرهنگی «شنبی با بودا» را در بامیان به همین مناسبت برگزار می‌کند.



رقص سماع بخشی از برنامه «شنبی با بودا» است/ عکس از انور سعادت‌نایب

**فروش ویژه**  
 شروع سال تحصیلی ۱۴۰۰ با کتاب‌های کمک آموزشی هشت پایه ویژه کودکان و مکاتب از صنف اول الی صنف هشتم  
 انتشارات کودکان؛ ناشر پیشرو در انتشار کتاب و مواد آموزشی برای کودکان و مکاتب

فروشگاه مرکزی: کارن، کارن ۴، چهارمخیل بل سرخ، مارکت تجاری ملی، مجتمع کتابستان منزل اول، انتشارات و فروشگاه کودکان  
 ۰۷۴۹۲۹۲۳۲ - ۰۷۴۹۲۹۲۳۱ - ۰۷۴۹۲۹۲۳۰ - ۰۷۶۳۳۴۰۲۰ - ۰۷۶۳۳۴۰۱۹ - ۰۷۸۸۳۶۰۹۹

ادرس نمایندگی‌های ولایات

- نمایندگی ۱ مزار شریف: جاده زینت‌الوجه، ماما ابراهیم، نزدیک مدرسه سلطانیه، پوشتان فرهنگی، بلق فرید ۰۷۸۳۴۱۸۹۹ - ۰۷۸۳۴۱۸۹۸ - ۰۷۸۳۴۱۸۹۷
- نمایندگی ۲ مزار شریف: نمایشگاه بین‌المللی دامری کتاب سعادت، مقابل کتابپوشی بهیفری ۰۷۷۲۹۰۰۱۹۹ - ۰۷۷۲۹۰۰۱۹۸
- نمایندگی ۳ هرات: جبرئیل، چهارده متری بالا، روی روی سوز کولا، کتابسرای جعفری ۰۷۸۳۸۹۸۱۳۱ - ۰۷۸۳۸۹۸۱۳۲ - ۰۷۸۳۸۹۸۱۳۳
- نمایندگی ۴ هرات: چوک گناه، جنب کتابخانه جامع، انتشارات فریادی ۰۷۷۶۶۵۷۸۱ - ۰۷۷۶۶۵۷۸۰ - ۰۷۷۶۶۵۷۷۹
- نمایندگی بامیان: بازار بامیان، موز مارکت سبزی و میوه فروشی، کتابپوشی معرفت ۰۷۳۰۶۶۴۰۰۹ - ۰۷۶۴۵۰۰۳۵ - ۰۷۶۴۵۰۰۳۴